



اصلاح ساختار حرفه‌ی حسابرسی در کشورها

کاظم وادی زاده

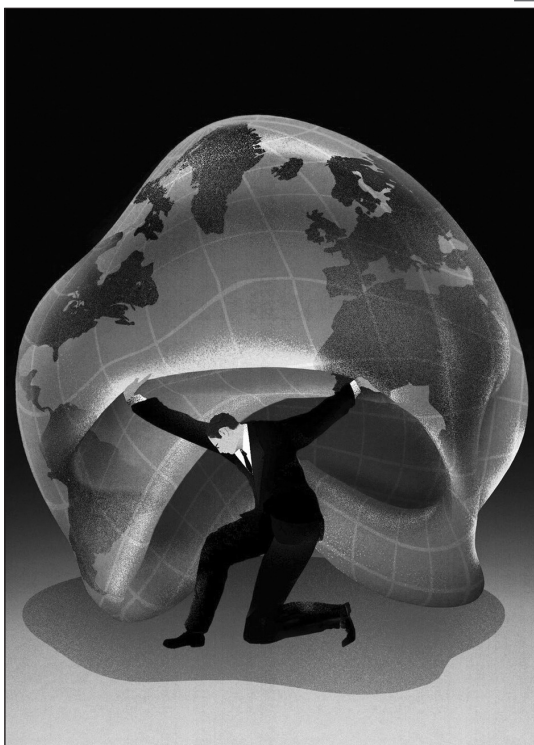
خسارتی به ذی‌نفعان وارد شود، نظارت‌ها و کنترل‌های بیشتری بر نهادهای حرفه‌ای تأثیرگذار اقتصادی انجام خواهد شد.

ساختار نظارتی حرفه‌ی حسابرسی و نحوه‌ی تعامل با تصمیم‌گیرندگان اقتصادی

گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی بازتاب نیازهای اطلاعاتی و انتظارات گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از صورت‌های مالی است که برای اتخاذ تصمیمات منطقی در زمینه‌های تخصیص بهینه‌ی منابع اقتصادی و ارزیابی عملکرد مدیریت و به عبارت دیگر، اعمال نظارت و کنترل‌های اقتصادی-اجتماعی، خواستار اطلاعات مناسب حسابداری هستند. به دلیل این‌که صورت‌های مالی، صرفاً تحت نظر و مسئولیت مدیریت تهیه می‌شوند، نمی‌تواند با بی‌طرفی و سطح اطمینان قابل قبول، نیازهای اطلاعاتی مختلف استفاده‌کنندگان را برآورده سازد. موضوع تضاد منافع در مدیریت سازمان‌ها و به ویژه صورت‌های مالی متقلبانه از دیرباز تاکنون مورد توجه استفاده‌کنندگان و حساب‌رسان

به عدم کارایی گروه‌های ناظر و به تبع آن افزایش شکاف بین دولت‌ها، مسئولین، ناظرین و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی و مدیریتی گردیده است. تجربیات بین‌المللی بیانگر این موضوع است که با بروز بحران‌های مالی، دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی درصدد پوشش مسئولیتی خود برآمده و به‌ناچار پس از هر شکست اقتصادی به تدوین قوانین و مقررات سخت و محکم در حوزه‌های مالی و اقتصادی جهت پیشگیری و کاهش بحران‌های مذکور اقدام می‌کند. در این میان پژوهشگران، نهادها و انجمن‌های حرفه‌ای و استانداردگذاران نیز در راستای تحقق افزایش کیفیت گزارشگری مالی همگام با سیاست‌گذاران اقتصادی اهداف کلانی را دنبال و سعی در ارائه‌ی راهکارهای مناسب جهت کاهش شکاف جامعه‌ی اقتصادی با ناظرین از جمله حساب‌رسان می‌نمایند. هدف اصلی، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و ایجاد شفافیت در نظام‌های مالی بوده و در هر برهه‌ای از زمان که نقضی در فرآیند شفافیت و کیفیت گزارشگری ایجاد شود و

دولت‌ها، شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری به دلیل بروز تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، سازمانی و پیچیدگی فناوری و توسعه‌ی ابزارها و محیط قانونی به پیاده‌سازی سیستم مناسب مدیریت تجاری نیاز دارند. همه ساله میلیاردها دلار در اثر تقلب و فساد از بین می‌رود که منجر به ناکارآمدی، عدم اتمام پروژه‌ها، چالش‌های مالی، عدم موفقیت سازمانی و در موارد شدید فجایع بشردوستانه، می‌شود. در واقع، بروز انواع فسادها و سوءاستفاده‌های درون و برون سازمانی بیانگر آن است که برای کارآمدی سیستم مدیریت تجاری نیازمند توجه به ابزارهای مناسب نظارتی و کنترلی از جمله حسابرسی و استقرار سیستم‌های کنترل داخلی خواهیم بود. ایجاد بحران‌های مالی و شکست‌های بزرگ اقتصادی در پی ضعف و یا نبود قوانین و مقررات مناسب و اثرگذاری آن بر ماهیت فعالیت سازمانی، اندازه‌ی سازمان، گستره‌ی عملیات، تضاد منافع و عدم تمایل مدیریت به کنترل بیش‌تر و جز آن منجر



مدیریتی را خدشه‌دار کند. متأسفانه انتظار عموم جامعه این است که تأثیر این انحرافات در گزارشگری مالی و گزارش حسابرس استخراج و افشا شود که چنین رویکردی در بسیاری از موارد بدلیل عوامل متعدد از جمله عدم دسترسی حسابرسان صورت‌های مالی به ابزارها و تکنیک‌های رسیدگی، قابل کشف و شناسایی نیست. در نگاهی یک حوزه‌های کارکردی انواع حسابرسی ارائه شده، اما انتظار دولتمردان و ذی‌نفعان فراتر از کارکردهای حسابرسان بوده و آنان به دنبال پیشگیری و کشف فساد و تقلب و افشای رانت‌های سیاسی و اقتصادی هستند و ضرورت دارد جامعه‌ی حرفه‌ای با تنظیم قوانین و مقررات مناسب با شرایط کشور نسبت به کاهش شکاف انتظارات اقدام کند. بر اساس آمارهای بین‌المللی کشورهایی که دارای اقتصاد قوی و پرونق هستند، ساختارهای قوی و منسجم با رویکرد استفاده از سامانه‌های یکپارچه به‌کار گرفته و در این اقتصادها به‌ناچار سازمان‌ها کلیه‌ی عملیات تجاری خود را در دفاتر قانونی و سطح صورت‌های مالی افشا و شفافیت در گزارشگری مالی

محسوب شود، اما مسئولیت پیشگیری از تقلب و اشتباه به‌عهده‌ی حسابرس نیست و نمی‌تواند باشد. بنابراین مسئولیت اصلی پیشگیری و کشف تقلب و اشتباه با مدیریت واحد رسیدگی است. اصولاً زمانی که صحبت از حسابرسی می‌شود ناخودآگاه تفکر عموم، انجام حسابرسی و بازرسی کلیه‌ی عملیات یک بنگاه یا سازمان اقتصادی بوده و انتظارات جامعه نسبت به موضوع حسابرسی با مفاهیم و استانداردهای حسابداری تفاوت‌های فاحشی داشته و شکاف انتظاراتی زیادی در به‌کارگیری مفهوم، محدوده و مسئولیت حسابرسان وجود دارد.

تفکر عموم مردم از ساختار حسابرسی، بازرسی و کشف هرگونه تقلب بوده، این درحالی‌ست که طبق استانداردهای حسابرسی وظیفه‌ی کشف تقلب برعهده‌ی حسابرس صورت‌های مالی نبوده و در صورت ضعف ساختارهای نظارتی در سازمان عملاً استفاده از رویکرد حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان کارایی و اثربخشی لازم جهت کشف تقلب مالی را ندارد در این‌گونه موارد پس از افشای فسادها و تقلب‌های مالی، عکس‌العمل‌های مختلفی توسط مسئولین، تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و به‌طور عموم ذی‌نفعان صورت پذیرفته و درصدد افزایش فشار بر حرفه جهت تنظیم مقررات مناسب‌تر جهت افزایش شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی هستند.

لازم به یادآوری است کیفیت در گزارشگری مالی ناشی از عوامل و معیارهای متعددی است که نتیجه‌ی این عوامل در کیفیت گزارش حسابرسی خلاصه می‌شود. به تعبیری نبود اقتصاد پایدار و کارا، فقدان قوانین و مقررات و استانداردهای مناسب، تنظیم دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های غیرمؤثر، عدم استقرار نظام‌ها، سیستم‌ها و کنترل‌های داخلی مناسب، عدم بکارگیری منابع انسانی و مدیریت شایسته و... می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر به‌سزایی گذاشته و شفافیت عملکرد

بوده و به‌خصوص پس از بروز رسوایی‌های بزرگ مالی و حسابداری موجب نوسان در بازار سهام، سلب اعتماد عمومی و بروز زیان‌هایی جبران‌ناپذیر بر سرمایه‌گذاران گردیده و ضرورت رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت‌ها توسط حسابرسان برای کشف تقلب احتمالی در راستای حفاظت از منافع استفاده‌کنندگان بیش از پیش ضرورت یافته است. حسابرسی فرآیندی منظم و باقاعده (سیستماتیک) جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه‌ی شواهد درباره‌ی ادعاهای مدیریت در ارتباط با فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین درجه‌ی انطباق این ادعاها و اظهارات با معیارهای از پیش تعیین‌شده و گزارش نتایج به افراد ذی‌نفع است. مهم‌ترین و با ارزش‌ترین خدمت حرفه‌ی حسابرسی، اظهارنظر مستقل درباره‌ی مطلوبیت صورت‌های مالی و گزارش نتایج به افراد ذی‌نفع است. هدف حرفه‌ی حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس بتواند درباره‌ی این که آیا صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری تهیه شده است یا خیر، اظهارنظر کند. حسابرس باید الزامات اخلاقی مرتبط با حسابرسی را رعایت کند، این الزامات اخلاقی شامل اصول اخلاقی مربوط به درست‌کاری، بی‌طرفی، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، رازداری، رفتار حرفه‌ای و اصول و ضوابط حرفه‌ای است. حسابرسی صورت‌های مالی یکی از انواع خدمات اطمینان‌بخشی است. اطمینان‌بخشی خدمتی است که طی آن حسابرس نظر خود را درباره‌ی نتایج ارزیابی یا اندازه‌گیری یک موضوع بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده، برای افزایش اطمینان استفاده‌کنندگان مورد نظر، اظهار می‌کند در ارتباط با مسئولیت حسابرس گفتنی است که عملیات حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی بایستی به گونه‌ای طراحی شود که از نبود تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی «اطمینان معقولی» به‌دست آید. اگرچه حسابرسی می‌تواند عاملی بازدارنده

به‌طور کامل وجود دارد. باتوجه به افشای کلیه‌ی رویدادهای مالی در صورت‌های مالی، ریسک حسابرسی صورت‌های مالی به پایین‌ترین درجه‌ی خود رسیده و حسابرسان با استفاده از حسابرسی مبتنی بر ریسک، ریسک محدود در سطح صورت‌های مالی را شناسایی و رسیدگی می‌کنند.

در ایران و برخی از کشورهای در حال توسعه به‌دلیل فقدان چارچوب‌های مناسب کنترلی ناشی از نبود سامانه‌های یکپارچه در سطح اقتصاد کشور، بسیاری از سازمان‌ها، از نقاط ضعف موجود استفاده کرده رویدادهای مالی خود را به‌صورت کامل در سطح صورت‌های مالی بنگاه اقتصادی ثبت و ضبط نمی‌کنند. به همین دلیل حسابرسان با ریسک بسیار بالا در سطح صورت‌های مالی برخورد می‌کند و به‌دلیل وجود تقلب در بیرون از صورت‌های مالی، عملاً حسابرسی برای پیشگیری و کشف تقلب کارا و اثربخش نبوده و نمی‌تواند پاسخ‌گوی انتظارات ذی‌نفعان باشد. در این موارد ضرورت دارد روش‌ها و تکنیک‌های رسیدگی حسابرسان تغییر و به ابزار و امکانات فراسازمانی جهت کشف فساد و تقلب مالی دسترسی یابند. (جدول یک)

استفاده و به‌کارگیری حوزه‌های جدید در حسابداری و حسابرسی ازجمله حسابداری کارگاهی و مجهز کردن حسابرسان به ابزارها و تکنیک‌های جدید می‌تواند رویکرد جدیدی در پاسخ به انتظارات ذی‌نفعان ایجاد کند و به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت اقتصادی حال حاضر کشور، روش‌های رسیدگی می‌باید تغییرات جدی یافته و دغدغه‌ی مسئولین و نهادهای حرفه‌ای در اصلاح ساختار حرفه به فال نیک گرفته شود. هرچند اعتقاد نگارنده بر این است که اصلاح ساختار تنها نبایستی شامل تغییر ارکان و ساختار نظارتی بر بخش خصوصی باشد چراکه در حال حاضر نیز ساختار نظارتی در حرفه وجود دارد و بایستی بیش‌تر در حوزه‌ی نظارت بر کیفیت خدمات حسابرسان تأکید کرد.

نظارت سازمان‌های موازی و حرفه‌ی حسابرسی در ایران

ساختار نظارتی در کشور ایران با بسیاری از کشورهای جهان تفاوت دارد و به واسطه‌ی اقتصاد دولتی، عمده‌ی ناظران مالی در پوشش و ساختار دولتی به حسابرسی می‌پردازند. هرچند سازمان‌های نظارتی دولتی و حاکمیتی برحسب قانون و مقررات ایجاد شده‌اند لیکن در صورت عدم کشف، مسئولیت قانونی خاصی برای آنان پیش‌بینی نشده است. براساس مفاد قانون تجارت و قوانین متعدد تدوین شده در صورت قصور حسابرسان و بازرسان قانونی در کشف فساد و تقلب مالی، مجازات‌هایی برای آنان پیش‌بینی شده است. حسابرسان مستقل در چارچوب استانداردهای حسابرسی، مسئولیت رسیدگی به صورت‌های مالی را داشته و در صورت برخورد با تحریف بااهمیت در سطح صورت‌های مالی می‌بایستی این تحریف را گزارش کند. مسئولیت اصلی و

قانونی استقرار سیستم کنترل‌های داخلی برای پیشگیری و کشف تقلب برعهده‌ی مدیریت سازمان بوده و می‌بایستی پس از افشای فساد پاسخ‌گو باشند.

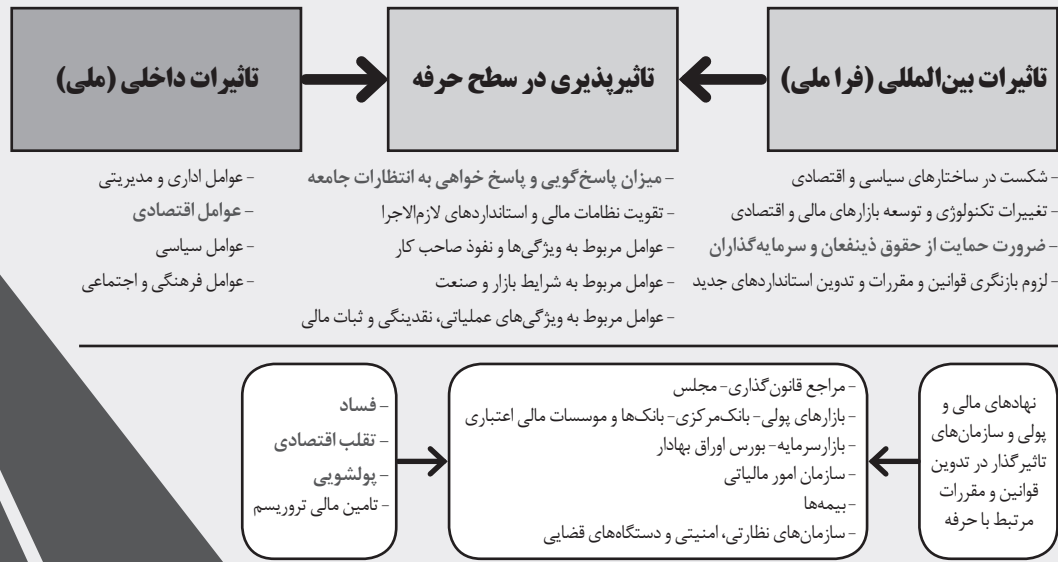
هرچند استانداردهای حسابرسی اختیارات و وظایف حسابرسان مستقل را به‌طور صریح و روشن بیان کرده لیکن در زمان بروز مشکل قضایی، مقامات قضایی آشنایی با حدود اختیارات و مسئولیت‌های حسابرسان نداشته و منطبق بر قوانین نسبت به حدود وظایف و مسئولیت‌های حسابرسان اظهارنظر می‌کنند. عدم‌شناخت از جامعه‌ی حرفه‌ای و ارکان آن و همچنین وجود وظایف بازرس قانونی در کنار حسابرسان مستقل و تفسیرهای مختلف از قانون تجارت در ارتباط با حوزه‌ی بازرسی، انتظارات را افزایش داده و حسابرسان را به عدم‌رعایت مقررات و قوانین بازخواست می‌کنند. در اقتصادهای دولتی همچون ایران، ناظران دولتی به‌واسطه‌ی استقرار مستمر در سازمان موردنظر و قدرت اخذ

جدول (۱) - حوزه‌های کارکردی انواع حسابرسی

تعریف	کاربرد
حسابرسی مالی - ارزیابی گزارش‌های مالی مطابق با استانداردهای حسابرسی مالی	ارزیابی ساختار حسابداری، بازرسی گزارش‌های حسابداری، بررسی مطالب موجود در گزارش‌های حسابداری، تحلیل و ارزیابی گزارش‌های مالی، ارزیابی روش تامین مالی کسب‌وکارها، بررسی نقدینگی مالی،
حسابرسی عملکرد - ارزیابی کارایی و اثربخشی اقدامات بر عملکرد سازمان	بررسی کارایی کسب‌وکار، بررسی صرفه‌ی اقتصادی، ارزیابی اجرای اهداف عملیاتی، ارزیابی اجرای اهداف بلندمدت،
حسابرسی سیستم - نظارت بر سیستم‌های موجود در سازمان	ارزیابی سیستم جمع‌آوری و پرداخت وجه، ارزیابی مدیریت بدهی‌ها و مطالبات، ارزیابی تولید، لوازم و فروش،
حسابرسی رعایت - ارزیابی این‌که آیا اقدامات مطابق با دستورالعمل‌ها و قوانین هستند	ارزیابی انطباق موافقت نامه‌ها با قانون، ارزیابی انطباق با مقررات حسابداری، ارزیابی کیفیت محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی، ارزیابی رعایت تاریخ‌های گزارشگری، ارزیابی انطباق با قوانین حاکم بر عملکرد سازمان،
حسابرسی عملیاتی - مطابقت با اهداف سازمان	ارزیابی روابط عمومی، ارزیابی عملکرد واحدهای سازمانی در شرکت، ارزیابی محصولات و فناوری‌ها، ارزیابی امنیت سیستم‌های فناوری اطلاعات، ارزیابی توسعه منابع انسانی و فرهنگ سازمانی،

ضرورت اصلاح ساختار حرفه حسابرسی

هدف اصلی: شفافیت در گزارشگری مالی و جلوگیری از فساد و تقلب مالی



اطلاعات پنهان و استفاده از ابزارهای مناسب (دسترسی به سامانه‌های اطلاعاتی فراسازمانی) روش‌های مؤثرتری برای رسیدگی داشته و قدرت کشف‌کنندگی بسیار بالایی دارند. در صورت عدم کشف و افشا نیز به واسطه‌ی وابستگی به بدنه‌ی دولت و نهادهای تأثیرگذار حاکمیتی به هیچ وجه مؤاخذه نمی‌شوند و تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند. برعکس حسابرسان بخش خصوصی به هیچ‌کدام از این ابزارها مجهز نبوده و هنگامی که امکان رسیدگی به صورت مؤثر فراهم نشده است، در صورت عدم کشف براساس قوانین و مقررات و استانداردهای مورد استفاده تحت تعقیب حقوقی و یا کیفری قرار می‌گیرند. نکته‌ی قابل تأمل در این خصوص اقدامات قضایی سازمان‌های نظارتی دولتی برعلیه حسابرسان بخش خصوصی است. در ساختار و اقتصادهای دولتی، بخش خصوصی در بیش‌تر فعالیت‌های اقتصادی خود به دولت نیازمند است (ارتباط با بانکها، وزارت بازرگانی، گمرک، سازمان امور مالیاتی و ...). و عملاً حسابرسی بخش خصوصی به بیانی حسابرسی غیرمستقیم بخش دولتی است

و دولت انتظار دارد اگر تخلفی در اقتصاد دولتی رخ داده و اثر آن در بخش خصوصی بوده توسط حسابرس بخش خصوصی افشا و گزارش شود که چنین رویکرد نظارتی به دلیل عدم دسترسی به سامانه‌های اطلاعاتی توسط حسابرسان مستقل بخش خصوصی وجود نخواهد داشت. در سنوات اخیر باتوجه به وابستگی بخش خصوصی به دولت و محدود شدن اقتصاد به دلیل تحریم‌های تنظیمی برعلیه کشور، سازمان‌هایی از جمله بانک مرکزی، بیمه‌ی مرکزی، وزارت بازرگانی، وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان‌های نظارتی حاکمیتی جهت پیش‌گیری و کاهش فساد مالی و اقتصادی درصدد تنظیم قوانین و مقررات جدید برعلیه ناظران مالی به‌ویژه حسابرسان بخش خصوصی بوده‌اند. تفکر این سازمان‌ها بدین صورت است که اگر حسابرسان به وظایف خود عمل کنند عملکرد سازمان‌ها شفاف‌تر و اکثر فسادهای پیش رو قابل کشف و گزارش خواهد بود. این درحالی است که بسیاری از فسادهای ایجادشده در بستر اقتصاد غیررقابتی و مداخلات همه‌جانبه‌ی

دولت در اقتصاد، به عوامل و متغیرهای متعددی از جمله تنظیم قوانین و مقررات ناپایدار و لحظه‌ای و تعدد قوانین و وجود تفسیرهای مختلف در قوانین، عدم استفاده از منابع انسانی و مدیریتی مناسب و نبود سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه در سازمان‌ها مطرح شده و تنها به واسطه‌ی تغییر در ساختار حسابرسی و افزایش نظارت‌ها بر حسابرس و تغییر ارکان نظارتی نمی‌توان نسبت به کاهش فساد و تقلب اقدام کرد. در نگاهی دو عوامل تأثیرگذار در سطح حرفه‌ی مالی، در سطح ملی و فراملی ارائه شده است.

دولت‌ها و نهادهای تأثیرگذار دولتی همواره درصدد پیش‌بینی مقررات جهت محدودسازی سوءاستفاده‌های مالی پس از بحران‌های پیش آمده بودند و با روش‌های مختلف نسبت به تعدیل رفتار ناظران به‌عنوان اهرم‌های نظارتی بر عملکرد مالی سازمان‌ها برای پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان اقدام کرده‌اند. مجموعه اقدامات سیاست‌گذاری برای مبارزه با فساد مالی به‌عنوان رویکردی تعدیلی برای افزایش شفافیت در عملکرد اقتصادی در نگاهی

جدول (۲) - راهبردهای ضد فساد مالی در سطح کلان اقتصاد

سیاست‌گذاری اقتصادی و مدیریت	کنترل مالی	نظارت عمومی بر سازمان‌های دولتی	اصلاحات حقوقی و قضایی	اصلاحات بخش اداری
کاهش مقررات	کنترل بخش حسابداری	نظارت مجلس	بالا بردن سطح دستمزدها	وجود چارچوب حقوقی کارآمد
تسهیل قوانین مالیاتی	حسابرسی دقیق سازمان‌ها	وجود جامعه مدنی	توجه به شایسته سالاری	وجود دادگاه‌ها و بخش قضایی مستقل
تثبیت اقتصاد کلان انحصار زدایی دولتی	کنترل خریدهای عمومی	وجود رسانه‌های مستقل و آزاد	تمرکز زدایی در بخش دولتی	تقویت بخش قضایی در مقابل مفاسد مالی

سه ارائه شده است، مجموعه‌ای این اقدامات شامل اصلاحات در نظام‌های انگیزه‌ای و روش‌های سازمانی است و توجه دقیق به این راهبردها گویای رابطه‌ی مستقیم برخی از آن‌ها با آزادی اقتصادی است. کنترل‌های مالی و حسابرسی بخش کوچک و تأثیرگذار این مجموعه بوده و در صورت تقاضا برای شفافیت مناسب ضرورت دارد اصلاح ساختاری در سیاست‌گذاری اقتصادی، مدیریتی، حقوقی، قضایی و اصلاح ساختار میزان مداخله‌ی دولت در ارائه‌ی خدمات و کالاها، رفع انحصار دولتی و غیردولتی، استفاده از ابزارهای مالی مناسب در بازارهای پول و سرمایه و افزایش به‌کارگیری فناوری اطلاعات و انسجام‌بخشی سیستم‌های گزارشگری مالی انجام پذیرد. (جدول ۲)

جمع بندی

فساد و تقلب مالی پدیده‌ی شومی است که چرخ‌های اقتصاد را از کار می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی را تخریب و بحران‌های جدی در امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد و در صورت عدم برخورد جدی و مؤثر با این پدیده، اعتماد عمومی را به حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی و اداری و محاکم قضایی تضعیف می‌کند. تقلب اقتصادی در اقتصادهای دولتی و فاقد بازار آزاد رقابتی بیش‌تر از اقتصادهای مبتنی بر بخش خصوصی است. هرچه در این اقتصادها قوانین و مقررات و بخشنامه‌های صادره برای مدیریت خرد و کلان اقتصادی، پایدار، منضبط و شفاف و از طریق زیرساخت‌های مناسب اطلاعاتی و گزارشگری جامع اجرا شود، امکان سوءاستفاده، تبانی گروهی،

ایجاد رانت برای کسب منافع برای گروهی خاص و تخطی از قوانین و مقررات برای سودجویان کم‌تر فراهم خواهد شد. تقلب اقتصادی را انسان‌ها انجام می‌هند نه سیستم طراحی‌شده و استقرار یافته، بنابراین به دلیل شرایط و ماهیت وجودی انسان و حرص و طمع در مال‌اندوزی و تمایل به داشتن زندگی بهتر و امکانات بیش‌تر، همواره درصدد بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌رو برای کسب منافع نامشروع است. در اقتصادهای پرنوسان با تصمیم‌گیری ناپایدار کوتاه‌مدت و احساسی، ریسک مالی و اقتصادی افزایش می‌یابد و به دلیل تدوین قوانین و مقررات مقطعی، محدودیت‌هایی برای فعالان اقتصادی و فرصت‌های جدیدی برای مجرمان ایجاد می‌شود. اصولاً هر جا که پول، ثروت، مسئولیت و اختیارات نامحدود و فرآیندهای پیچیده در مدل کسب‌وکار وجود داشته باشد، نیازمند برقراری و استقرار سیستم‌های نظارتی و کنترلی مناسب خواهد بود. در صورت عدم نظارت مستمر مناسب، فساد و تقلب در هر سمت، مقام و لباسی شکل خواهد گرفت. در مجامع معتبر حرفه‌ای دنیا از جمله انجمن بازرسان رسمی تقلب آمریکا (ACFE) و منطبق با استانداردهای تدوین‌شده، عوامل تأثیرگذار بر تقلب شامل انگیزه‌های مالی و روانی مجرم برای ارتکاب عمل، وجود نقاط ضعف سیستم کنترل‌های داخلی و نظارتی سازمان‌ها (ایجاد فرصت برای مجرمان) و نهایتاً نوهی توجیه عمل متقلبانه توسط مجرمان سه رکن اصلی شکل‌گیری تقلب اقتصادی ذکر شده اما آن‌چه بدیهی است تقلب اقتصادی در سه

بعد فردی (دانش، توانایی، روش، مدل، تکنیک، هوش، میزان تخصص و ارزش‌های اخلاقی فرد مجرم و ناظر)، شغل و پست سازمانی (سطح پرواز مسئولیتی مجرمان و میزان اختیارات و دسترسی به منابع) و ریسک محیط‌های اقتصادی درون سازمانی و برون سازمانی (استقرار نظام‌های مالی داخلی بنگاه اقتصادی، وضعیت پایداری و ثبات قوانین و مقررات اقتصادی کشور، ریسک فعالیت صنعت، ریسک جغرافیایی کشور و همسایگان و...) طبقه‌بندی می‌شود. در جوامع و سازمان‌هایی که وضعیت اقتصادی از موقعیت مناسبی برخوردار نیست و محدودیت‌های جدی برای کسب درآمد برای افراد، سازمان‌ها و... وجود دارد، به دلایل متعدد از جمله عدم اطمینان از آینده، ترس از امنیت شغلی، انتظار تصویب و اجرای قوانین و مقررات متعدد ناپایدار و... بسیاری از افراد در پست‌های حساس که دسترسی به منابع مالی و اقتصادی دارند در معرض خطر ابتلا به تقلب قرار می‌گیرند. باتوجه به مطالب پیش گفته اصلاح ساختار حسابرسی کشور و همچنین ارکان نظارتی برای افزایش کیفیت خدمات حسابرسی مستقل ضروری به نظر رسیده و باتوجه به کشمکش‌های سیاسی و جناحی در بلندمدت، اقدامات مختلفی برای نظارت‌های خارج از جامعه‌ی حرفه‌ای بر حساب‌رسان انجام خواهد گرفت، هرچند در حال حاضر جامعه‌ی حرفه‌ای دارای ارکان نظارتی دولتی بوده و می‌توان با تقویت ساختارهای موجود، افزایش کیفیت در گزارشگری مالی و نظارت بر موسسات حسابرسی را سازماندهی کرد. ■